

### متن پرسش

استاد سلام: این نظر بنده تا چه حد صحیح هست؟ بنده احساس می‌کنم تمدن غرب محصول یک نگاه انحرافی به انسان، هستی(خلقت) و خدا شکل گرفته و اگر نگاه و تعریف درستی از انسان و هستی و خدا شکل بگیرد قطعاً می‌توان یک تمدن قدسی را رقم زد که همه برکات خودش را به ظهور می‌رساند! اما من سخت گرفتار یک مسأله هستم و اون اینه که فرض بفرمایید در دل این تمدن اسلامی فرضاً معماری اسلامی به صحنه میاد که اگر تمدن اسلامی را کُل حساب کنیم، این معماری اسلامی در واقع جزئی از این تمدن کل حساب میشه. اما سوال اینجاست؟! ما باید از جزء به کُل برسیم یا اینکه شرایط طوری هست که هم باید برای به صحنه آوردن کل متوسل به جزء بشیم و هم برای جزئیاتی که در دل این کُل ظهور می‌کند به صورت مستقل از کُل غافل نشیم! یعنی گاهی رجوع به جزء برای به صحنه آوردن کل مثل پرداختن به سبک زندگی و گاهی هم رجوع به مقدمات کل برای به صحنه آوردن کُل، مثل پرداختن به تعاریف درست از خدا و خلقت و انسان و هدف از حیات زمینی انسان.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همیشه تمدن‌های اصیل در بستر برداشت کلی انسان‌های آن تاریخ در سنت‌های الهی و تعریف درست از زندگی و از انسان به‌دست می‌آید و در امور جزئی نمایان می‌شود. به همین جهت در کتاب «تمدن‌زایی شیعه» عرایضی مطرح شده که چگونه نوع نگاهی که تشیع به عالم و آدم دارد، می‌تواند منشأ یک تمدن اصیل گردد. موفق باشید